**ارتباطات کودک - نقش دوستان و همسالان در اجتماعی شدن کودک**

تا قبل از یک سالگی به ندرت ارتباطی معنی دار بین کودکان برقرار می شود. کودکان ده ماهه به گونه ای با یکدیگر برخورد می کنند که انگار عروسک اند، برای هم صدا در می آورند، موهای همدیگر را می کشند یا اعتنایی به یکدیگر نمی کنند. از حدود دو سالگی به بعد اولین ارتباط های معنی دار میان کودکان ایجاد می شود. البته دوام این ارتباط ها بسیار اندک است و در حد چند دقیقه بازی با یکدیگر باقی می ماند.  
در سنین دبستانی و پیش دبستانی، کودکان علاقه مند به برقراری ارتباط با همسالانی اند که شاد و زیبا باشند و اسباب بازی ها، خوراکی ها و وسائل خود را در اختیار آنها قرار دهند. ارتباط و دوستی های این دوره حالت موقت و گذرا داشته، به سرعت شکل می گیرند و سریعاً تغییر می کنند. ویژگی های ارتباطات خاص این دوره تقریباً مطابق رشد اخلاقی کودکان این دوره است ( پیش قراردادی). کودک پایبندی مداوم به ارتباطات خود ندارد، به راحتی دوستانش را کنار می گذارد بدون این که علت خاصی وجود داشته باشد و درک عمیقی از دوستان، صمیمیت و ارتباط متقابل ندارد.  
در سال های میانه و پایانی کودکی ارتباط براساس کمک به یکدیگر و رفع نیازهای هم شکل می گیرند و اعتماد به هم نقش مهمی در تداوم آن ایفا می کند. کودکان درکی ذهنی از دوستان پیدا می کنند و دوستان تنها اشخاصی نیستند که با هم بازی می کنند، بلکه کسانی اند که ویژگی ها و مشترکات خاصی بین آنها برقرار است که یکی از آنها دوست داشتن همدیگر است.  
در دوران نوجوانی، همسالان مهم ترین نقش را در فرایند اجتماعی شدن فرد بازی می کنند. نوجوانان برای این که بتوانند هویتی مستقل از والدین پیدا کنند باید ارتباطی صمیمی و متقابل با همسالان خود برقرار نمایند. ارتباط و دوستی دوران نوجوانی دارای این مشخصه هاست: دوستان ، یکدیگر را درک می کنند ؛ افکار و احساسات عمیق و درونی خود را با یکدیگر در میان می گذارند، برای حل مسائل و مشکلات روانی خود به یکدیگر کمک می کنند و سعی دارند باعث دردسر و مشکل برای دوستانشان نشوند. سازگاری علائم و شخصیت دو نفر، ملاک انتخاب دوست است و پایان دوستی منوط به عهد شکنی و عدم وفای به عهد یکی از دوستان است .  
تحول و تغییر در استدلال های پنهان مربوط به دوستی با فرد یا اشخاص خاص، با افزایش سن تغییر می یابد. در اولین مرحله رشد دوستی و ارتباط، معمولاً استدلال نهان در ارتباط بین دو کودک و نزدیکی فیزیکی آنها به همدیگر است. یعنی این دو به این دلیل ساده با هم دوست اند که همسایه، دوست خانوادگی، هم مدرسه یا هم کلاس اند. در مرحله دوم کودکان برای این با هم دوست هستند که همسایه، هم کلاس، هم مدرسه و دوست خانوادگی بوده، در ضمن قادرند نیازهای همدیگر را به بهترین وجه رفع نمایند و به هم اعتماد کنند. اما در مرحله سوم دوستی، مهم ترین اصل و دلیل برای دوستی نوجوانان شباهت و ویژگی های شخصیتی، قابل اعتماد بودن دو دوست و پای بندی طرفین به ملاک های مورد قبول در خصوص دوستی است. در همین حال ممکن است نوجوانان باهم همسایه، هم کلاس یا هم مدرسه باشند یا نباشند.

تأثیر ارتباط و دوستی بر کودکان و نوجوانان

دوستان و همسالان علاوه بر این که از عوامل مهم اجتماعی شدن فرد به شمار می آیند، می توانند روی یادگیری، پیشرفتِ و تحصیلی و مهارت های کلامی فرد نیز مؤثر باشند. از مهم ترین آثار مثبت همسالان، از بین بردن خودمداری است.  
در محیطی که همسالان ارتباط صحیح و مناسب با هم دارند، مهارت های اجتماعی مهم مانند همکاری، رقابت و صمیمیت آموخته می شوند. در چنین شرایطی نه تنها یادگیری افزایش می یابد، بلکه رفتارهای اجتماعی مناسب نیز رشد می کند. ناتوانی در برقراری رابطه مطلوب بین همسالان ، موجب طرد و عدم محبوبیت می شود. شواهد پژوهشی نشان می دهند که دانش آموزان مطرود و فاقد ارتباط افقی سالم، پرخاشگرترند و رفتارهای نامناسب دارند، پیشرفت تحصیلی و انگیزش آنها اندک است و از اختلالات هیجانی، اضطراب و افسردگی بیشتر رنج می برند.  
اگرچه ارتباط و دوستی بین همسالان در تمام دوران کودکی حائز اهمیت است، اما به علت گرایش بسیار شدید نوجوانان به گروه همسالان، در این دوره اهمیت بیشتری می یابد. دوستی دوره کودکی، تنها رفاقت ساده ای است که بر اثر اشتراک عادات و به خصوص بازی ایجاد می شود. از حدود یازده سالگی به بعد این دوستی ها محکم تر و جنبه انتخابی آنها بیشتر می شود. در دوره بلوغ و نوجوانی ، دوستی ریشه عمیق تری می یابد و با شور و هیجان توأم می شود. در این دوران، دوست حامی " من"  یا به عبارت صحیح تر، یک من دیگر است و مانند آینه ، تصویر اطمینان بخشی به نوجوان می نمایاند. به همین سبب پیوندهای دوستی در شخصیت نوجوان تأثیر بسیار می گذارند و قطع آنها موجب وارد آمدن لطمه به شخصیت نوجوان می شود. دوستان نزدیک از طرفی به رشد نوجوان کمک می کنند و از طرف دیگر این امکان را فراهم می آورند که احساسات سرکوب شده خود اعم از خشم و هیجان را ابراز کند و نوجوان درمی یابد که دیگران هم امیدها و ترس هایی نظیر او دارند. دوستی های نزدیک به نوجوانان این آزادی را می دهد که از یکدیگر انتقاد کنند و به همین دلیل می آموزند که رفتار، علایق یا عقاید خود را اصلاح کنند، بی آن که از سوی سایرین طرد شوند. این نوع دوستی ها به نوجوان کمک می کند تا هویت خود را پیدا کنند، احساس اعتماد به نفس کرده، به هویت خود افتخار نماید. دوستی های دوره نوجوانی چون با عواطف و احساسات شدید توأم هستند، زودتر از بین می روند. نوجوانانی که مشکلات شخصی بسیار دارند به دوستان نزدیک نیازمندترند، اما توانایی چندانی برای حفظ دوستی ندارند. با ثبات ترین نوع دوستی هم بین نوجوانان گاهی شدت و ضعف پیدا می کند، به این دلیل که هر یک از طرفین در دوره ای است که نیازها، احساسات و مشکلاتش مدام تغییر می کند.  
تجارب همسالان در دوران کودکی و نوجوانی با سازگاری بعدی آنها مرتبط است. کسانی که در دوران کودکی و نوجوانی دچار مشکلات ارتباطی ( اعم از ضعف در برقراری ارتباط، ارتباط بیمارگون و ...) باشند در بزرگسالی نیز مشکلاتی مانند اختلال شخصیت ، دوری گزینی، بزهکاری، پرخاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی خواهند داشت.  
در کل، همسالان امکانات یادگیری مهارت های اجتماعی، کنترل رفتار، انتقال ارزش های اجتماعی، کمک به رشد هویت فردی و استقلال از والدین را فراهم می آورند.

.